

جستاری بر الگوهای معماری در هویت شهری

سجاد شفیعی

کارشناس ارشد مهندسی معماری

چکیده

امروزه موضوع هویت یکی از موضوعات و مفاهیم مورد توجه در امر معماری و شهرسازی می باشد. موضوع هویت در معماری و شهرسازی از آن جهت جایگاه مهمی دارد که با القای هویت به آن می توان حس تعلق و به نوعی حس هویت شهروندی را در میان شهروندان ایجاد و تقویت کرد. تاکید بر موضوع هویت شهر و تاثیر معماری بر آن همراه با ارتباطات اجتماعی، هویت فضای شهری را تشکیل می دهد. رشد شتابان و گسترش فضای کالبدی معماری در حوزه ی معماری شهری، به نحوی شکل گرفت که بسیاری از مجموعه های شهر نتوانستند خود را با این رشد سریع تطبیق دهند، که پیامد این مسئله عدم نظارت صحیح بر ساخت و تغییرات اساسی در کالبد، بویژه کالبد سیمای معماری شهرها شده است. از این رو مهمترین چالش ها پیش رو معماران و طراحان شهری یافتن راهکارهایی جهت ارتقای هویت شهری می باشد، بنابراین امید آن است معماران و طراحان شهری جهت ارتقای کیفیت زندگی شهری با بکارگیری الگوهای معماری و عوامل لازم به منظور احیای هویت شهر، آن مولفه ها را در طراحی خود بکارگیرند.

کلمات کلیدی: (هویت، معماری، الگوهای معماری)

مقدمه

آن زمان که انسان احساس کرد باید به کیستی و چیستی خود در برابر طبیعت و ماوراء طبیعی پاسخ گوید، هویت متولد شد. مبحث هویت یا کیستی همواره در ذهن انسان با مراتب گوناگونی مطرح بوده است. پرداختن به این پرسش بنیادی به خاستگاه پرسشگر از سویی و به ریشه های پدیدآمدن بحث از سوی دیگر باز می گردد. مقوله هویت ابتدا حوزه هایی مانند فلسفه، منطق و روانشناسی را در بر گرفت، ولی با توجه به تحولات علمی چند دهه اخیر دامنه آن به محیط های ساخته شده توسط انسان نیز کشیده شده است. دستیابی به معماری با هویت، موضوعی بسیار پر اهمیت در معماری معاصر ایران است. کوشش در حرکت به سوی معماری و شهرسازی معاصر ایران، پاسخی به نیازهای معنوی انسان ها در کنار تمامی نیازهای مادی ایشان است.

معماری به رغم تفاوت های سرزمینی که در شکل آن تاثیر فراوانی داشته، دارای ویژگی های ذاتی، پویا و تدریجی است، که آن را هویت می نامند. هویت یکی از بحث برانگیزترین موضوعات عصر حاضر است و هرکس به طریقی نگرانی هویتی دارد. اما اکثر بحث ها بیش از آن که متوجه شناخت مساله و یافتن راه حل تحقق پذیر در برخورد با آن باشد، به انعکاس این نگرانی معطوف می گردد.

مفهوم واژه هویت در حوزه ها و مکاتب مختلف دارای تعاریف و اختلافاتی است که باید این مفاهیم پیش از وارد شدن به بحث هویت و معماری هویت مورد بررسی قرار گیرد تا به درکی از واژه هویت و معنای آن دست یابیم. این مقاله در نظر دارد هویت را از جنبه های گوناگون مورد بررسی قرار دهد که ابتدا به اصطلاح شناسی واژه هویت می پردازد و سپس مفاهیم هویت را مورد بررسی قرار می دهد.

-روش تحقیق:

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی انجام شده و گردآوری اطلاعات در آن از طریق منابع کتابخانه ای با استفاده از مجموعه مقالات، پایان نامه ها و کتاب های موجود صورت گرفته است.

-پرسش های تحقیق:

- ۱-عناصر و شاخصه های سازنده هویت محیطی و مکانی چه هستند؟
- ۲-چگونه می توان به بیان رابطه متقابل معماری و هویت پرداخت؟
- ۳-چگونه می توان معماری با هویت خلق کرد؟
- ۴-چگونه می توان با بکارگیری الگوهای ساخت، فضاهای شهری را هویت بخشید؟

-فرضیه های تحقیق:

- ۱-به نظر می رسد بکارگیری الگوهای معماری ایرانی در هویت بخشی به فضاهای شهری تاثیر گذار است.
- ۲-به نظر می رسد هویت بخشی فضاهای مسکونی و شهری در ایجاد حس تعلق تاثیر گذار باشد.

-اهداف تحقیق:

- ۱-ایجاد رویکردی هدفمند در طراحی فضاهای شهری
- ۲-بازیابی الگوهای معماری نهفته در ابنیه ماندگار
- ۳-هویت بخشی به بافت های مسکونی و شهری

-ضرورت های تحقیق:

- ۱-افزایش عمر ساختمان ها به لحاظ عملکردی
- ۲-ارتقای کیفیت عملکردی بافت های مسکونی
- ۳-ایجاد حس تعلق در فضاهای عمومی شهری

-ادبیات موضوع:

معنای لغوی هویت:

برای احتراز از پیش آمد در مقدمه، در بدو باید تلقی از موضوع هویت روشن گردد. هویت پاسخی است به پرسش در خصوص چیستی یا کیستی موجودات. لذا معادل کلمه IDENTITY در زبان انگلیسی است. معنای این کلمه در لغت نامه آکسفورد چنین ذکر شده است: "آنچه که کسی یا چیزی هست، همان بودن".

معانی و تعاریف در واژه نامه های فارسی:

در "لغت نامه دهخدا" هویت چنین تعریف شده است: "هویت عبارتست از تشخیص که گاه بر وجود خارجی اطلاق می شود و گاه بر ماهیت با تشخیص که عبارت از حقیقت جزئییه است. هویت مرتبه ذات ناب را گویند و مرتبه احدیت و لاهوت اشارت است از آن".

در "فرهنگ فارسی معین" هویت به ذات باری تعالی، هستی، وجود و آنچه موجب ناسایی شخص باشد، معنی شده است و در تعریفی آمده است: "هویت عبارت از حقیقت جزئییه است. یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار شود و گاه به معنای وجود خارجی است و مرادتشخص است و هویت گاه بالذات و گاه بالعرض است".

در "فرهنگ عمید" نیز هویت را حقیقت شیء یا شخص می دانند که مشتمل بر صفات جوهری او باشد. همچنین مقابل واژه هویت، لغات شخصیت، ذات، هستی و وجود را آورده است.

همانطور که مشاهده می شود، در بررسی مفاهیم هویت در فرهنگ های لغت چه فارسی و چه غیرفارسی مفهوم هویت عمدتاً به دو معناست: در معنای اول، "هویت یک شیء ذات و جوهر آن است". کاربرد این معنا از هویت بیشتر به عرفان بر می گردد یعنی جایی که ذات و گوهر تمام اشیاء، امور و افعال به خداوند باز می گردد و در واقع خداوند به عنوان ذات و گوهر تمام اشیاء در نظر گرفته می شود و در معنای دوم، "هویت به معنای ویژگی هایی که موجب تمایز یک شیء از اشیاء دیگر می گردد، تلقی می شود". در علوم طبیعی این معنا بیشتر کاربرد دارد. در این تعریف مفهوم هویت با کلماتی نظیر خودیت، اصالت و شخصیت هم گروه می گردد.

-مولفه های هویت:

چنانکه از واژه شناسی هویت برآمد، انسان مولف و شناسنده معماری و مولفه های تمیزدهنده ی بنا، در تبیین هویت معماری موثر می باشند. بنابر نظر اندیشمندان، زمان و مکان ظرف حاوی محتوای عالم پدیدار می باشند و فعالیت های انسانی، از جمله معماری او، در طول زمان و در مکان معنا می یابد. پس به عنوان مولفه های موثر و تمیز دهنده ی معماری مورد مذاقه قرار می گیرند. که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می شود.

۱-انسان و هویت:

تنها پدیده ای که دغدغه هویت دارد، انسان است. زیرا به گفته سارتر(فیلسوف فرانسوی)، در مورد انسان "وجود بر ماهیت تقدم دارد". این سخن بدان معناست که ماهیت انسان محتوم نیست و بر خلاف سایر موجودات، خود در ساختن آن نقش دارد. همین اختیار و امکان انتخاب باعث می شود که فقط انسان به طرق مختلف به کیستی خود بیندیشد و به این ترتیب نظم زیستی وی به مبارزه آگاهانه یا ناآگاهانه اش برای تامین هویت شخصی می انجامد. زیرا همواره به دنبال ابزاری می گردد که به واسطه آن خود را

تبیین کند. بر همین اساس معیارهای تغییر یا تثبیت هویت به طور کامل از طرز تفکر و ساختار ذهنی انسان که نتیجه فرهنگ و تربیت اوست ناشی می شود بنابراین هویت در واقع نوعی ارزش گذاری یا تعیین کیفیت است که ارتباط کامل با اندوخته های ذهنی فرد دارد.

۲- مکان و هویت:

یک فضا جدا از اینکه در کوتاه مدت بصورت فضاهای متوالی قابل ادراک است، می بایستی در طول زمان و تغییرات انجام یافته شناسایی بوده، دارای هویت باشد.

فضا زمانی برای ما دارای هویت خواهد بود که از طرفی بتوانیم آن را موجودی مستقل و عینی تلقی کرده، از طرف دیگر خود نیز به عنوان موجودی عینی در آن فعالیت و رفتار نمائیم و در نتیجه بتوانیم ذهنیات ناشی از ادراک آن را با ذهنیات خود تطبیق دهیم و یا به بیان دیگر هویت یک فضا، زمانی معنی پیدا خواهد کرد که اطلاعات مختلفی در مورد آن فضا، از زمان دیگر وجود داشته باشد و بتوان آنها را برای مقایسه و انطباق با معنی موجود، جهت تشخیص هویت بکار برد. در صورت امکان انطباق تصویر ذهنی فرد با فضای مورد نظر، فضا را دارای هویت می نامند.

مکان وجهی از فضا است که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده است و دارای بار معنایی و ارزشی است. به عبارتی مکان محل تلاقی فرم، عملکرد و معنای فضا است.

رابطه میان انسان و مکان دو طرفه است، زیرا کنش و خواست انسانی معنی را به فضا مرتبط می سازد و فضای خالی را به یک مکان تجربه شده تبدیل می کند و به همین ترتیب مکان می تواند بر انسان تاثیر متقابل گذارد. چرا که به واسطه معنایش به ارزش ها و کنش های انسان خط می دهد. به همین خاطر هویت مکان بخشی از هویت شخصی است. هویت مکان در اثر تجربه مستقیم محیط فیزیکی رشد می یابد. بنابراین بازتابی از وجوه اجتماعی و فرهنگی مکان است. در عین حال در غنای شخصیت فردی نقش محوری دارد. چرا که "بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می سازد، مکانی است که خود را با آن می شناسد و به دیگران می شناساند".

۳- زمان و هویت:

زمان به عنوان یکی از ابعاد وجودی جهان، دایره ممکنات، انسان و معماری او، همواره مورد توجه بوده است. زمان نیز همچون مکان به عنوان ظرف حاوی جهان پدیدار، به عنوان دیگر مولفه های تاثیرگذار، به بحث هویت راه یافتند. زیرا فعالیت های انسانی از جمله معماری علاوه بر مکان، در طول زمان معنا می یابد. فعالیت های انجام شده در مکان، در طول زمان خاطراتی را در ذهن انسان ایجاد می کند، که ممکن است فردی یا جمعی باشد. با رجوع چندین باره به آنها، خاطره های جمعی که از عوامل هویت بخش انسان می باشند، در ذهن انسان نقش می بندد و مکان را متفاوت با جاهای دیگر می کند.

-معماری و هویت:

هنگامی که وارد بحث هویت معماری می شویم سؤالاتی چنین مطرح می شود که نسبت معماری با هویت چیست؟ و آیا معماری

هویت پذیر است؟ برای پاسخ به این پرسش ها از دو دیدگاه می توان به معماری نگاه کرد: نگاه اول نگاه عام است که معماری را به معنای ساختن، تحدید فضا، ایجاد سرپناه و تعاریفی از این دست در نظر می گیرد که جایی برای بحث هویت در معماری باقی نمی گذارد. برای باز کردن بحث هویت در معماری باید از دیدگاه دیگری به مسئله نگاه کرد و بحث چیستی و کیستی را از آن نقطه نظر مطرح کرد. اگر به معماری به عنوان یک اثر هنری بنگریم و انسان را خالق این اثر در نظر بگیریم از آن جهت که انسان مدعی است که می تواند حقیقت هستی را کشف کند و آن را در اثر هنری متجلی سازد و به بیان آورد و اثر هنری حاصل فهم انسان و تجلی حقیقت کشف شده از سوی اوست، می توان به بحث هویت در معماری پرداخت.

معمولا هویت یک اثر معماری را با میزان ایده ها و و اثرات برگرفته از ویژگی های فرهنگی موجود در آن اثر می سنجند. بنابراین هرگاه برای بررسی هویت آثار معماری در کنار توقع در برداشتن میراث محیطی فرهنگی، موضوع کارکرد آن ها را نیز مد نظر قرار دهیم، بهتر خواهیم توانست به ارزیابی مسئله بپردازیم و آنگاه می توانیم حتی آثاری را با هویت بیابیم که مستقل از میراث محیطی و فرهنگی مکان آن آثار باشد.

از آنجا که تجربه ی معماری یک تجربه ی همه جانبه انسانی است و ظرفی برای مظلوفش محسوب می گردد، پس یک رابطه بلا واسطه بین انسان و محیطش وجود دارد که رابطه ای از نوع "مدرک و مدرک" می باشد و به همین دلیل انسان با صفات و ویژگی هایی که داراست نقش مهمی در هویت معماری دارد.

-الگوهای معماری و هویت:

در بررسی بسیاری از بناها و شهرها متوجه می شویم دارای الگوهایی در ساخت هستند، هر چند ممکن است این بناها و شهرها متعلق به یک سرزمین نباشند اما مردم نادانسته و بی آنکه بدانند چه می کنند، بی آنکه بر اهمیت کار خود واقف باشند، بناهایی ساخته اند آنچنان که شباهت میان شهرها و بناهای بی شمار در فرهنگ های از دست رفته و اعصار گذشته به مراتب بیش از شباهت بناهایی است که امروزه می سازیم. فایده زبان الگو به متکی کردن بناهای ما بر واقعیت، به تضمین برآوردن نیازهای انسان در بناها، به سازگار کردن بناها با نیروهای درون آنها منحصر نیست.

بناهایی که با زبان الگو ساخته می شوند در دیدگاه تفاوتی اساسی دارند که برای روشن کردن این نکته باید بین دو نوع کیفیت کالبدی تفاوت قایل شویم به گونه ای که بناهای جهان را به دو دسته تقسیم کنیم: در دسته اول تمامی بناهای سنتی را قرار دهیم که در طی هزاران سال و در تمامی جوامع سنتی سراسر جهان ساخته شده اند، و در دسته دوم تمامی بناهایی را قرار دهیم که در صد سال اخیر با فناوری و صنعت تمامت خواه ساخته شده اند، اگر چه بناهای دسته اول دارای شکل های گوناگون به لحاظ فرم، نوع مصالح و ... هستند اما در مقایسه با بناهای دسته دوم دارای وجه اشتراکی هستند، که این وجه اشتراک، هویت کالبدی خاصی است، به صورتی که اگر بناها را در چارچوب راه جاودانه بسازند، همواره واجد این هویت ویژه می شوند. که نخستین مشخصه این هویت، الگوهایی است که در آن نهفته است و از آن بناهایی است که نیروهای درونی خود را صادقانه بروز می دهند. نظم در خور هر بنا یا شهر، وقتی برقرار می شود که بناها به درستی با نیروهای درونشان جور شده باشند، نظمی بس غنی تر است و هندسه ای بس پیچیده تر از این دارد. اما این نظم فقط غنی و پیچیده نیست، بلکه بسیار ویژه است و در هر وضعی که بناها واقعا درست باشند رخ می نماید. هرگاه کسی موفق شود از زبان الگو در طراحی بهره برد و بنایی زنده بسازد، این هویت ویژه را دارا خواهد بود. نمونه ای موفق از این الگوها در معماری ایران، الگوی چهارصفه یا چهارچفته است که به عنوان کهن ترین الگو در طراحی خانه ها، مساجد و

مدارس در نواحی مرکزی و کویری و نواحی کوهستانی کاربرد بسیار داشته است که عناصر برجسته ای چون حیاط مرکزی، ایوان و ... را در خود دارد و از ویژگی های منحصر بفردی از جمله درونگرا بودن و نوسان دمایی بسیار اندک بهره می برد که به واسطه آن در فصل تابستان خنک و در زمستان گرم می ماند و این همان هویتی است که با حیات سازگار است و همین هویت کالبدی یگانه که در همه چیز نهفته است همواره در نهایت رخ می نماید و راه جاودانهء ساختن، حقیقتاً راهی جاودانه و بی زمان است به صورتی که هر چه بناها با طبع خودشان مناسبت بیشتری داشته باشند و زنده تر ساخته شوند، لزوماً به این هویت جاودانه بیشتر دست می یابند.

-نتیجه گیری:

این مقاله در پی چپستی هویت به عنوان ویژگی های ذاتی، پویا و تدریجی معماری بود، هویتی که همواره در ذهن انسان با مراتب گوناگونی مطرح بوده است، به گونه ای که دستیابی به معماری با هویت، موضوعی بسیار پر اهمیت در معماری معاصر ایران است و کوشش در حرکت به سوی معماری و شهرسازی معاصر ایران، پاسخی به نیازهای معنوی انسان ها در کنار تمامی نیازهای مادی ایشان است.

آنچه در مفهوم واژه هویت دریافت کردیم طبقه بندی با واژگانی چون خودیت، اصالت و شخصیت بود که مولفه های هویت یعنی: انسان و باورهایش، مکان و زمان را برای ما قابل پذیرش می کرد، به گونه ای که دریافتیم انسان و باورهایش مولف و شناسنده معماری و مولفه های تمیزدهنده ی بنا، در تبیین هویت معماری موثر می باشند و بر خلاف سایر موجودات، خود در ساختن آن نقش دارد. همین اختیار و امکان انتخاب باعث می شود که فقط انسان به طرق مختلف به کیستی خود بیندیشد به صورتیکه همواره به دنبال ابزاری می گردد که به واسطه آن خود را تبیین کند. همچنین دریافتیم زمان و مکان ظرف حاوی محتوای عالم پدیدار می باشند و فعالیت های انسانی، از جمله معماری او، در طول زمان و در مکان معنا می یابد به نحوی که رابطه میان انسان و مکان دو طرفه است زیرا بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی او را می سازد، مکانی است که خود را با آن می شناسد و به دیگران می شناساند و در زمینه با زمان لازم به ذکر است فعالیت های انجام شده در مکان، در طول زمان خاطراتی را در ذهن انسان ایجاد می کند که با رجوع چندین باره به آنها، خاطره های جمعی که از عوامل هویت بخش انسان می باشند، در ذهن انسان نقش می بندد و مکان را متفاوت با جاهای دیگر می کند.

بحث هویت و معماری را می توان از آن نقطه نظر مطرح کرد که اگر به معماری به عنوان یک اثر هنری بنگریم و انسان را خالق این اثر در نظر بگیریم از آن جهت که انسان مدعی است که می تواند حقیقت هستی را کشف کند و آن را در اثر هنری متجلی سازد و به بیان آورد و اثر هنری حاصل فهم انسان و تجلی حقیقت کشف شده از سوی اوست به گونه ای که انسان ها طی هزاران سال بناهایی با الگوهای ساخته اند که هرچند متعلق به یک سرزمین نیستند و دارای شکل های گوناگون به لحاظ فرم، نوع مصالح و ... هستند اما دارای وجه اشتراکی هستند، که این وجه اشتراک، هویت کالبدی خاصی است، به صورتی که اگر بناها را در چارچوب راه جاودانه بسازند، همواره واجد این هویت ویژه می شوند. که نخستین مشخصه این هویت، الگوهای است که در آن نهفته است و از آن بناهایی است که نیروهای درونی خود را صادقانه بروز می دهند و هر چه بناها زنده تر ساخته شوند یعنی بناها به صورتی احداث شوند که با طبع خودشان مناسبت بیشتری داشته باشند، لزوماً به این هویت جاودانه بیشتر دست می یابند در نتیجه زمان که بناها

به شایستگی ساخته شوند و در برابر نیروهای درونی خود صادق باشند، آنها نیز هویت خاص خود را خواهند داشت و این هویتی است که راه جاودانه آن را پدید می آورد.

-منابع و مآخذ:

- ۱- قاسمی اصفهانی، مروارید. ۱۳۹۴، اهل کجا هستیم، تهران: انتشارات روزنه، چاپ سوم
- ۲- معماریان، غلامحسین، ۱۳۹۵، معماری ایرانی، تهران، چاپ ششم، صفحه ۱۴۹-۱۵۰
- ۳- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۹۶، معماری و راز جاودانگی، مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: دانشگاه بهشتی، چاپ اول
- ۴- پاکزاد، جهانشاه. ۱۴۰۰، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، تهران: انتشارات شهیدی، چاپ یازدهم
- ۵- مومن زاده، ف و رستم پور، کاوه. ۱۳۹۵، هویت و معماری، کارشناسی ارشد
- ۶- مهدوی نژاد، م.ج و بمانیان، م.ر و خاکسار، ن. ۱۳۸۹، هویت معماری، نشریه هویت شهر، شماره ۷، صفحه ۱۱۳-۱۲۲
- ۷- تابان، م و پورجعفر، م.ر و پورمند، ح. ۱۳۹۱، هویت و مکان؛ رویکردی پدیدارشناسانه، نشریه هویت شهر، سال ششم، شماره ۱۰، صفحه ۷۹-۹۰
- ۸- تقوایی، س.ح. ۱۳۹۱، از سبک تا هویت در معماری، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۷، شماره دوم، صفحه ۶۵-۷۳
- ۹- دربان، علی و رسولی، احسان و ابولپور، حسین و سوهانی، علیرضا. ۱۳۹۴، مروری بر مفهوم و هویت معماری امروز ایران، کارشناسی
- ۱۰- سالاریان، ملیکا، ۱۴۰۲، بررسی نقش معماری در احیای هویت شهر
- ۱۱- شریفی، مسعود و خوشرو، قاسم، ۱۴۰۲، نقش و آثار مفهوم هویت و تاثیر آن در فرهنگ شهرسازی و معماری

Abstract

Today, the issue of identity is one of the topics and concepts of interest in architecture and urban planning. The issue of identity in architecture and urban planning has an important place because by instilling identity into it, a sense of belonging and a sense of citizenship identity can be created and strengthened among citizens. Emphasizing the issue of city identity and the impact of architecture on it, along with social connections, forms the identity of the urban space. The rapid growth and expansion of the physical space of architecture in the field of urban architecture was formed in such a way that many city complexes could not adapt to this rapid growth, which in the result of the lack of proper supervision of the construction and fundamental changes in the body, especially the body. It has become the architectural face of cities. Therefore, The most important challenges facing architects and urban designers are finding solutions to improve the urban identity, Therefore, it is hoped that architects and urban designers will use those components in their design in order to improve the quality of urban life by using the architectural patterns and factors necessary to revive the city's identity.

Key words: identity, architecture, architectural patterns